

فرار مغزها از افغانستان



میرحسین "ضیایی"

مقدمه:

امروزه پدیده ای فرار مغزها یکی از مسائل مهم کشور های در حال توسعه، خصوصاً کشورهای جنگ زده است. تاریخ توسعه کشورهای توسعه یافته نشان می دهد، سرمایه انسانی نقش مهمی در فرایند پیشرفت های آنها بر عهده داشته و یقیناً جامعه صنعتی، توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و پیشرفت های تکنولوژیکی خود را مرهون وجود سرمایه انسانی می داند. جوامع در حال توسعه نیز جهت گذار از عقب ماندگی و رسیدن به مراحل از توسعه، ناگزیر اند در ایجاد سرمایه انسانی و توسعه دانش فنی به منظور مشابه سازی توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تکنولوژی و تطبیق و ارتقای تمامی سطوح آن هزینه های را باید در این راستا متقبل شوند. بنابر این توسعه پایدار یک جامعه در گرو منابع و سرمایه انسانی مورد نیاز آن جامعه است و جوامع توسعه نیافته به منظور گسترش فعالیت های کلیدی جامعه چاره ای جز محوری کردند تولید و تشکیل سرمایه انسانی مورد نیاز خود ندارند. مهم ترین موضوع در آوردن تغییرات مثبت یک جامعه ذخایر سرمایه انسانی همان جامعه است.

اما مقوله ای که در دهه های اخیر مورد توجه جامعه شناسان و سیاستگذاران اقتصادی در رابطه با سرمایه انسانی است، مهاجرت مغزها است. به طور کلی مهاجرت مغزها، انتقال بین المللی منابع به شکل سرمایه انسانی است. یعنی مهاجرت افراد متخصص و با تحصیلات بالا از کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته به کشورهای توسعه یافته.

اصطلاح فرار مغزها را برای اولین باری انگلیسی ها در اواسط دهه ۱۹۵۰ ابداع کردند، دوران که باور عمومی این بود که تعداد دانش آموختگان دانشگاه های انگلیسی برای پاسخگویی به نیازهای اقتصادی کشور کافی نیست و بخشی از این تعداد ناکافی در جستجوی کار به سایر کشورها می رفتند (Mackay, 1969: p.32). این مفهوم به شکل ها مختلف تعبیر و تفسیر شده و در مواردی از زوایای خاصی به آن نگاه شده است. اما تمامی تعریف ها در اصل به یک نکته اشاره می کنند و آن خروج نخبگان و متخصصان یک کشور و مهاجرت آنان به دیگر نقاطی است که از شرایط بهتر برای کار و زندگی برخوردار هستند. در اینجا به برخی از این تعریف ها می پردازیم.

فرار مغزها به پدیده اطلاق می شود که در آن اندیشمندان یک کشور به دلایل مختلف ترک دیار خود می کنند و به گوشه ای دیگر پناهنده می شوند تا در امنیت بیشتر، مطالعات خود را ادامه دهند (چرا المپادی ها نمی مانند، ۱۳۷۹).

مهاجرت متخصصان، دانشمندان، مهندسان، فزیکدانان و سایر مشاغل حرفه ای از کشورهای در حال توسعه به کشورهای پیشرفته فرار مغزها نامیده می شود (اسماعیلی، گرشاسبی، ۱۳۷۸).

پس فرار مغزها یا مهاجرت مغزها به فرایندی گفته می شود که در آن متخصصان و نخبگان یک کشور به خاطر مشکلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، علمی، فرهنگی، کمبود امکانات پژوهشی، رفاهی و ناتوانی جامعه در استفاده از تخصص و توان اطلاعاتی آنها، برای کسب تجربه، پیشرفت های علمی، حقوق های بالا، منزلت، رفاه اجتماعی و آزادی فکری بیشتر و دسترسی به منابع علمی جدیدتر به سوی جوامعی مهاجرت می کنند که از نظر آنها از شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، علمی و فرهنگی بهتری برخوردار باشند و بتوانند تخصص و توان علمی خود را در جامعه برای پیشرفت به کار گیرند. این امر در مورد کشورهای در حال توسعه بسیار بیشتر از کشورهای پیشرفته صنعتی وجود دارد. به طور کلی پدیده فرار مغزها به معنی هدر رفتن سرمایه انسانی و فکری یک جامعه است.

متأسفانه افغانستان یکی از کشورهای است که آمار بلند فرار مغزها را در بین کشورهای جهان به خود اختصاص داده است و اکنون این پدیده اجتماعی سیر صعودی اش را طی می کند و سالانه هزاران جوان تحصیل کرده و صاحب اندیشه، افغانستان را ترک و راهی کشورهای دیگر جهان می شود. در صورتیکه افغانستان به منظور پر کردن شکاف های عمیق اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و رسیدن به توسعه پایدار شدیداً نیازمند منابع انسانی می باشد. اما متأسفانه فرار مغزها و تحصیل یافته گان آن، بیش از هر زمان دیگر اوج گرفته است و در چنین شرایطی می تواند باعث تعمیق شکاف تمام ابعاد جامعه از جمله بخش علمی و اقتصادی شود.

دلایل فرار مغزها

جنگ و ناامنی در افغانستان: مهاجرت در تمام کشورهای جهان، خصوصاً در افغانستان رابطه ای مستقیم با امنیت دارد زمانی که عامل اصلی مهاجرت را در افغانستان بررسی کنیم، ناامنی اولین فاکتور مهاجرت است، جنگ های چهار دهه در کشور و کشته شدن هزاران انسان بی گناه و نابود شدن آشیانه و زندگی مردم و استبداد متواتر از سوی گروه های هراس افکن بالای مردم، انفجار و انداخت راکت ها از سوی دشمنان افغانستان، تجاوز گروه های تروریستی و به رگبار بستن مردم به گلوله، باعث گردیده تا تعداد زیاد از مردم افغانستان خصوصاً نخبگان و تحصیل یافتگان این کشور، فرار را بر قرار ترجیح دهند و راه های پر مخاطره مهاجرت را در پیش گیرند.

مشکلات اقتصادی: پائین بودن میزان در آمد متخصصان و عدم تناسب بین میزان سواد و در آمد، یکی از مهم ترین دلایل مهاجرت نخبگان است. این امر بویژه در کشورهای در حال توسعه بیشتر به چشم می خورد. در افغانستان میزان در آمد افراد تحصیل کرده و نخبگان بسیار پایین است. اختلاف دستمزد در مقایسه با کشورهای پیشرفته، زیاد است. پس دلیل عمده مهاجرت نخبگان افغان از کشور، وضع بد اقتصادی است. و از سوی هم کشورهای پیشرفته توانایی و کشش لازم برای جذب نیروهای نخبه را از سراسر دنیا، به جای نیروی از دست رفته، دارند.

نبود زمینه رشد علمی: نخبگان و متخصصان، زندگی و وقت خود را بیشتر صرف تحقیقات علمی و کار تخصصی خویش می نمایند. معمولاً متخصصان افغان تحصیلات خود را در حوزه های علمی کشورهای پیشرفته جهان سپری نموده اند. با ورود به کشور به دلیل فراهم نبودن محیط مناسب برای کارهای علمی و نبود رقابت علمی و منابع کافی برای انجام فعالیت های علمی ترجیح می

دهند به محیط بر گردند که در آنجا تحصیل کرده اند و زمینه کار و فعالیت های علمی و تخصصی فراهم باشد. در واقع وابستگی آنان به علم و پیشرفت علمی آنها به محیط قبلی اش می باشد.

میرشکاک (۱۳۸۰) می گوید: "یک دلیل مهاجرت نخبگان تعلق آنها به علم است. آنان به دنبال پایگاه های علمی و پژوهشی و به امید رسیدن به درجات بالای علمی در رشته های گوناگون علوم، رنج مهاجرت و غربت را بر خود هموار می کنند و تعلق به علم، آنها را به کشورهای غربی می کشاند".

امکانات کمتر آموزشی: دلیل دیگر مهاجرت نخبگان در افغانستان کمبود امکانات آموزشی است. نخبگان یک جامعه معمولاً به جایی می روند که تمام امکانات لازم را در اختیار شان قرار دهند تا به کار پژوهش پردازند. بدیهی است که علت این امر، امکانات لازم برای پژوهش، وجود آزمایشگاه های متعدد همراه با وسایل و ابزار پیشرفته تحقیقاتی، فضای علمی، کتابخانه ها و منابع اطلاعاتی غنی و نیز در کنار آن، وجود نیروهای نخبه ای است که بتوانند با این ابزار به پژوهش پردازند و محیط آکادمیک را محرک و پویا سازند.

در افغانستان، در زمینه انجام پژوهش، سرمایه گذاری کافی نشده و نمی شود. اول اینکه مشکلات جامعه آنقدر زیاد است که کمتر به مقوله پژوهشی پرداخته می شود. دوم اینکه آنها بودجه و امکانات لازم را در اختیار ندارند تا بتوانند در این زمینه نیروهای متخصص را بسیج کنند و به فعالیت پردازند. سوم مردم افغانستان نسبت هر کار دیگر اهمیت کمتری را در کارهای تحقیق و پژوهشی قایل اند در واقع می توان گفت که تحقیق و پژوهش در افغانستان به غربت کامل بسر می برد.

پیامد های فرار مغزها: با فرار مغزها نظام اقتصاد، آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و جامعه علمی و متخصص افغانستان صدمه شدید می بیند تداوم این روند روی ابعاد مختلف زندگی مردم تاثیرات منفی می گذارد. پایین آمدن انگیزه تحصیلات، پایین آمدن کیفیت کار، کند شدن روند توسعه فرهنگی، بهم خوردن تعادل نفوس، کاهش سرمایه گذاری و خارج شدن پول های هنگفت از کشور، از مهم ترین پیامد های فرار مغزها، در افغانستان است.

راه پیشگیری از مهاجرت مغزها

پدیده فرار مغزها ریشه مستقیم با شرایط بد و بحرانی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افغانستان دارد. برای جلوگیری پدیده فرار مغزها نکات ذیل باید جدی گرفته شود.

- امنیت سرتاسری در کشور
- ایجاد فرصت های شغلی مناسب برای تحصیل یافتگان
- ایجاد ثبات در محیط های علمی و تحقیقاتی
- حفظ ثبات و امنیت اقتصادی در کشور
- به کار گیری تخصص نخبگان در امور مدیریتی برای اجرای طرح های و امورات
- ایجاد مراکز تحقیقاتی

در نتیجه نخبگان و تحصیل یافتگان افغانستان مهم ترین و کارآمدترین نیروی انسانی است که پیشرفت و توسعه آن رابطه مستقیم با این قوه دارد. و از سوی هم شرایط ناگوار افغانستان در تمامی بخش نشان می دهد که برای پیوند دادن زخم های دیرینه این کشور، بیش از هر زمان دیگر نیازمند نیروی متخصص است. بنا دولت جمهوری اسلامی افغانستان در راس وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان منحصیث نهاد مسئول در این زمینه با همکاری نهادهای ملی و بین المللی که در راستای پدیده مهاجرت کار می کنند باید راهکارهای جدی را در این زمینه بسنجد تا از مهاجرت متخصصین و نخبگان افغانستان جلوگیری صورت گیرد. تا چرخه ای پیشرفت و توسعه افغانستان بحرکت افتد.